

به نام خدا

# کارنامه سیاسی اخوان المسلمین و انقلاب‌های خاورمیانه

## فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۳.....	۱. مروری بر تاریخچه تأسیس اخوان المسلمین
۷.....	۲. مهمترین پایه‌های فکری اخوان المسلمین
۱۱.....	۳. ساختار اخوان المسلمین
۱۹.....	۴. اخوان المسلمین در کشورهای دیگر
۲۹.....	۵. اخوان المسلمین و جنبش بیداری اخیر در مصر
۳۵.....	توصیه‌ها

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۱۰۵۸

دفتر: مطالعات سیاسی

مهرماه ۱۳۹۰



## کارنامه سیاسی اخوان المسلمین و انقلاب‌های خاورمیانه

### چکیده

جنبش اخوان المسلمین یکی از مهمترین، قدیمی‌ترین و تأثیرگذارترین جنبش‌های اسلامی معاصر است که نقش مهمی در انقلاب‌های اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا به‌ویژه در مصر داشته است. این جنبش که از ابتدای تأسیس تاکنون بارها توسط دولت‌های حاکم در کشورهای عربی سرکوب شده و به مبارزه مسالمت‌آمیز به‌جای مبارزه مسلحانه با رژیم‌های مسلط در این کشورها روی آورده بود، پس از بیداری اسلامی در مصر توانسته است موقعیت برتر خود را در میان سایر جریانات سیاسی تثبیت کند. با این وجود، این جنبش پس از سقوط رژیم مبارک با دو چالش شکاف‌های درونی و گسترش فعالیت جریان سلفی وهابی مواجه شده است. در این شرایط، اخوان المسلمین برای تقویت جایگاه خود در ساختار سیاسی آینده مصر، در کنار سیاست اسلامگرایی رویکرد عملگرایانه را در پیش گرفته است. نمونه بارز این رفتار را می‌توان در پذیرش مذاکره با عمر سلیمان قبل از سقوط مبارک و عدم همراهی با خیزش مردمی علیه سفارت رژیم صهیونیستی همزمان با تأکید بر اولویت آزادسازی فلسطین و محاکمه مبارک دست زده است. براین اساس، شناخت دقیق جریان‌های فعال در حوزه بیداری اسلامی و آینده قدرت در مصر نیازمند اشراف بر نظام فکری و تحرکات میدانی اخوان المسلمین است.

### مقدمه

جنبش اخوان المسلمین یکی از مهمترین بازیگران اصلی صحنه قیام‌های اخیر در همه کشورهای عربی - بجز بحرین - است که از تشکل مستحکم و گستردگی فوق‌العاده‌ای برخوردار است و به علت فرآیند سرکوب چند دهه گذشته دوران خفقان و اختناق، برای ایفای نقش سیاسی در ساختارهای جدید انگیزه بالایی دارد. این جنبش دربرگیرنده اقشار وسیعی از تحصیل‌کردگان و اساتید دانشگاه و در عین حال از پایگاه قابل توجهی در میان بازاریان و کسبه و عوام و حتی روستاییان برخوردار است، گرچه پایه فکری و شعار ایدئولوژیک این جنبش جمله «اسلام تنها راه‌حل» (الاسلام هوالحل) است، اما جنبشی عملگرا نیز هست. در اکثر کشورها اقدام به تأسیس احزاب سیاسی [و نه ایدئولوژیک] در چارچوب قوانین جاری کرده و آمادگی خود را برای تعامل با شرایط و تحولات برای رسیدن به قدرت به نمایش گذاشته است.

تاکنون آمریکا سعی داشته است با احزاب دینی و اسلامی در خاورمیانه هیچ‌گونه ارتباط و گفتگو نداشته باشد اما به علت قدرت و ظرفیت جریان اخوان المسلمین و توان آن در کسب بخش مهمی از آرای انتخاباتی در بیش از یک کشور منطقه، به‌ویژه در مصر و تونس، واشنگتن تصمیم گرفته با جریان اخوان رسماً وارد گفتگو شود. خانم کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا اعلام کرد که اخوان جریان سیاسی بزرگی است که سیاست تغییرات قهرآمیز مبتنی بر شیوه‌های تروریستی را رد می‌کند و از پایگاه اجتماعی گسترده نیز برخوردار است و به همین علت برای شناخت متقابل، باید گفتگوی دوجانبه و ارتباط رسمی برقرار شود. رژیم



صهیونیستی با انتقاد از این اقدام آمریکا اعلام کرده است که اخوان از بمب اتم خطرناکتر است و اساساً به قدرت رسیدن احزاب ایدئولوژیک و اسلامی در کشورهای خاورمیانه، شرایط معادله حاکم بر این منطقه را به زیان امنیت اسرائیل تغییر خواهد داد.

با توجه به اینکه انتخابات در برخی از کشورهای عربی حوزه بیداری نزدیک است شناخت جریان اخوان به عنوان یکی از مهمترین بازیگران این صحنه اهمیت بسیاری برای تصمیم‌گیران سیاسی دارد.

### ۱. مروری بر تاریخچه تأسیس اخوان المسلمین

جنبش اخوان المسلمین مصر در سال ۱۹۲۸ در شهر اسماعیلیه توسط «حسن البنا» تأسیس شد. شکل‌گیری این جنبش در این مقطع زمانی را باید نتیجه طبیعی اوضاع سیاسی و اجتماعی و تاریخ معاصر مصر دانست. چراکه پس از سقوط دولت خلافت عثمانی، تفکرات غربی مبنی بر جدایی دین از سیاست مانند ناسیونالیسم، ملی‌گرایی و لیبرالیسم در میان روشنفکران مصری رواج یافته و احساسات ملی برای اصلاح اوضاع کشورهای جدیدالتأسیس عربی برانگیخته شده بود. انقلاب ۱۹۰۹ ضداستعمار انگلیسی، شرایط سیاسی خاصی فراهم کرد تا اسلامگرایان با تشکل و ایجاد جمعیت اخوان المسلمین دیدگاه سیاسی خود را منعکس کنند.

جمعیت اخوان المسلمین در دوره‌ای بسیار کوتاه، تشکل‌های اسلامی رقیب و پراکنده را جذب و در نیمه دهه سی میلادی گسترده‌ترین پایگاه اجتماعی را کسب کرد و

تشکل‌های اسلامی دیگر که زمانی رقیب جریان اخوان بودند مانند جمعیت شرعی و یاران سنت محمدی، جوانان مسلمان و حزب ملی کم‌کم در دل اخوان هضم و جذب شدند. از دید «برنارد لوئیس» محقق آمریکایی، ویژگی یگانه و نادر این جنبش، مردمی بودن آن است. این نکته برای این جنبش فواید زیادی را داشت به‌ویژه که پیدایش آن نیز مستقیم یا غیرمستقیم زاینده اراده غرب نبود بلکه واکنشی بر ضد غرب‌زدگی و علیه سیاست‌های غربی به‌شمار می‌رفت. جنبش اخوان المسلمین تشکل اصلاح‌طلبی است که تربیت و سیاست را به‌عنوان ابزار ایجاد تحول مترقیانه اتخاذ کرده و در صدد سوق دادن جامعه اسلامی به سوی موقعیتی پیشتاز و جایگاهی متمدن در چارچوب محتوای اسلامی است. در واقع این جنبش با ایجاد دگرگونی به قصد گرفتن سلطه سیاسی است تا از طریق اصلاح بنیادین آن به هدف برپایی جامعه اسلامی برسد.

حسن البنا در تعریفی فراگیر درباره خطمشی جنبش اخوان المسلمین می‌گوید: «اخوان دعوتی پیش‌گراست زیرا آنان مردم را به بازگشت به اسلام و کتاب و سنت پیامبر (ص) فرا می‌خوانند که سرچشمه زلال‌اند. روشی سنت‌گراست زیرا خود را به عمل به سنت پاک در همه مسائل ملزم می‌داند. حقیقتی صوفیانه است زیرا اعضا براساس نیکی، تزکیه نفس، پاکدامنی، مواظبت بر اعمال، عشق به خدا و حسن سلوک عمل می‌کنند. نهادی است سیاسی زیرا خواستار اصلاح حکومت از درون (و نه از بیرون) و تجدیدنظر در رابطه درونی امت اسلامی با سایر ملل و پرورش مردم در جهت عزت و بزرگواری و تأکید بر اصالت و ملیت آن است و همچنین اخوان جمعیتی ورزشی است و اعضا را به تقویت بدنی خود توصیه می‌کند و باور دارد که نزد خداوند مؤمن نیرومند از مؤمن ضعیف گرامی‌تر است. اخوان انجمنی علمی - فرهنگی



است زیرا اسلام دانش را بر هر مرد و زن مسلمان واجب کرده است. اخوان شرکتی اقتصادی است زیرا اسلام به تدبیر و کسب مال حلال توجه دارد و در آخر، این جنبش دارای بینشی اجتماعی است زیرا اعضای خود را نسبت به دردهای اسلامی حساس می‌کند و برای درمان و شفای امت از این دردها تلاش می‌نماید.<sup>۱</sup>

البته ترور حسن البناء در سال ۱۹۴۹ نقطه تحول بزرگی در حیات اخوان به‌شمار می‌آید چراکه تعیین حسن هضیبی که قاضی بازنشسته بود به سمت مرشد عام اخوان از خارج از تشکیلات و همزمانی آن با سقوط نظام پادشاهی در مصر و روی کار آمدن جریان ناسیونالیستی عربی به رهبری جمال عبدالناصر و غیرقانونی اعلام کردن جمعیت اخوان‌المسلمین و آغاز سرکوب و بازداشت وسیع رهبران و اعضای اخوان، تحول عظیم فکری را در جنبش ایجاد کرد.

ضعف رهبری فکری در اخوان در این شرایط سخت و سرکوب گسترده ناصر بر ضد آنان، زمینه گسترش افکار «سید قطب» یکی از کادرهای میانه اخوان در دوران خفقان را فراهم کرد و این جنبش را با چالشی عظیم روبرو ساخت. سید قطب در دوران بازداشت با وضعیت مخوف زندان، وحشیگری و خشونت زندانبانان و شکنجه‌گران روبرو شد و از آنجا که ذهنیتی از اندیشه‌های «ابوالاعلی مودودی» داشت، نسبت به اسلام، رژیم و کارگزارانش و کل جامعه مصر به دیده تردید نگریست و مقوله‌ای به این مضمون مطرح کرد که ما در جاهلیتی مدرن و شبیه به جاهلیت صدر اسلام بلکه تاریک‌تر از آن به سر می‌بریم. سید قطب حاکمیت مصر را که مؤمنین را در بند و زیر شکنجه طاقت‌فرسا قرار داده غیرمسلمان دانسته و آنان را

۱. حسن البناء، پیام بیداری، ترجمه مصطفی اربابی، نشر احسان، ۱۳۸۸.

شایسته حاکمیت نمی‌دانست چراکه حکم از آن خداست و مؤمنان به‌عنوان جانشینان و خلیفه خدا باید حاکم باشند و حکومت عدل را بر پا سازند، اما حاکمان مصر مؤمن نبودند. این افکار که عمدتاً در کتاب نشانه‌های راه (معالم فی الطریق) منتشر شد، زمینه گسترش افکار تکفیری را فراهم ساخت که بعدها در قالب تشکل‌های جدیدی مانند التکفیر و الهجرة، حزب التحریر و جماعت اسلامی و در بُعد جهانی سازمان القاعده ظهور و بروز یافت. این سازمان‌ها از جریان فکری اخوان عبور کرده و جریان فکری متفاوتی را مبتنی بر تغییر قهری و تکفیر جامعه ایجاد کردند.

البته «حسن هضیبی» مرشد عام اخوان در آن زمان با انتشار کتابی تحت عنوان دعوت‌کننده و نه قضاوت‌کننده (دعاة لاقضاة) با این جریان مقابله کرد و تکفیر جامعه (جاهلی) را کاری خلاف شرع اعلام کرد چراکه جامعه اسلامی حتی اگر آلوده نفاق شود و به احکام دین پایبند نباشد، مؤمنان از باطن و نهان افراد آگاه نیستند و یقین ندارند و نمی‌توانند آنانی که شهادتین را بر زبان جاری می‌کنند، کافر بشمارند.

شکست اعراب در جنگ با رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۶۷ و سپس مرگ ناصر در سال ۱۹۷۰ به افول فکری جریان ناسیونالیسم ناصری انجامید که رقیب سرسخت اخوان بود. همزمان گرایش «انور سادات» به غرب و تلاش برای به حاشیه راندن ناسیونالیست‌های ناصری و چپ‌گراها از صحنه سیاسی، فرصت تازه‌ای برای اخوان فراهم ساخت و سادات در یک توافق نانوشته، هزاران اخوانی را از زندان آزاد کرد و تلاش کرد تا از آنان به‌عنوان ابزاری برای حذف دیگر جریان‌های سیاسی بهره‌گیری کند، اما ترور سادات در سال ۱۹۸۱ توسط سازمان‌های اسلام‌گرای تکفیری (خالد اسلامبولی) که او را به‌عنوان رهبر و سمبل جامعه جاهلی می‌شمردند، یکبار دیگر



شرایط اسلامگرایان را دگرگون کرد و اکثر آنان را به زندان‌ها برگرداند. پس از چند ماه رژیم مبارک سیاست سرکوب اسلامگرایان را بر گروه‌های تکفیری متمرکز ساخت. هرچند اخوان از این موج سرکوب بی‌نصیب نبودند. در دو دهه اخیر اخوان در معرض سیاست‌های دوگانه مدارا و سرکوب رژیم مبارک قرار داشت. به عبارت دقیق‌تر رژیم مبارک از یک طرف جریان اخوان را در معرض فشار و بازداشت قرار می‌داد و از سوی دیگر در برابر تلاش اخوان برای رخنه به صحنه قدرت به‌ویژه در پارلمان تحت عناوین احزاب موجود و یا افراد مستقل چشم‌پوشی می‌کرد. در انتخابات ۲۰۰۷ جریان اخوان‌المسلمین ۱۶۵ نامزد معرفی کردند که ۸۸ نفر آنان به مجلس راه یافتند (تعداد نمایندگان این دوره ۴۴۴ نفر بود) در انتخابات ۲۰۱۰ اخوان در انتخابات پارلمانی مشارکت کرد اما به علت دست بردن نظام و حزب حاکم در نتایج آن، دور دوم انتخابات را تحریم کرد و اکثر احزاب مصر نیز همین کار را انجام دادند.

## ۲. مهمترین پایه‌های فکری اخوان‌المسلمین

### ۲-۱. اخوان‌المسلمین تشکل اسلامی وحدت طلب

اخوان‌المسلمین دعوتی فراگیر است که به طایفه و یا مذهب فقهی خاصی منحصر نیست. آنها قبول دارند که اجتهاد صحابه پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) همراه با سلایق فردی بوده است و اختلاف اجتهاد به میزان اطمینان قلبی و فهم آنها از روایات برمی‌گردد. به همین علت وجود اختلافات فقهی را طبیعی می‌دانند و وحدت در فروع را به همین علت ناممکن می‌شمارند و این امر پدیده‌ای طبیعی است و با اصل دین

منافات ندارد. لذا رجوع به ائمه مذاهب برای شناخت عبادات لازم و ضروری می‌پندارند. حسن‌البناء افراد شیعه و سنی را برابر قلمداد می‌کند و تعمیق کردن شکاف مذهبی را جایز نمی‌شمارد. «عمر تلمسانی» مرشد سوم اخوان، معتقد است شیعه به تفکر اسلامی غنا بخشیده و عمق داده است. خانم «زینب غزالی» یکی از چهره‌های اخوانی نیز مذهب شیعه اثنی‌عشری و شیعه زیدی را جزء مذاهب اسلامی می‌داند که تفاوتی جایگاهی با دیگر مذاهب سنی ندارد.

### ۲-۲. برپایی نظام اسلامی

برپایی نظام اسلامی ابتدا هدف آشکار و اعلانی اخوان نبود اما از کنگره سوم در دهه چهارم میلادی این هدف عنوان شد و برپایی حکومت اسلامی یکی از ارکان تفکر اخوان گردید. اخوان معتقدند از طریق پیکار سیاسی باید به هدف غایی حکومت اسلامی رسید و تقریباً می‌توان گفت که درباره ضرورت حکومت اسلامی منطبق اخوان با منطق حضرت امام خمینی (ره) تفاوت چندانی ندارد اما درباره حاکم در دولت اسلامی اختلاف نظر بسیار جدی به چشم می‌خورد. در طول تاریخ رابطه شیعه با حکام ستمگر و کسانی که غالباً از اهل سنت و جماعت بودند با رابطه اهل سنت با آن حکام متفاوت بود و این اختلاف از زمان رحلت پیامبر اکرم (ص) تاکنون وجود دارد. سنی‌ها همواره در حصار دژ مستحکم غالب سلطه سیاسی حاکم قرار داشتند درحالی که شیعه در اغلب اوقات، گروه رنج‌دیده و دور از حکومت و قدرت بوده و یا در تقابل کامل با نظام قرار داشته است. این تفاوت رفتاری به منابع و مشارب فکری آنها برمی‌گردد. «ابن حنبل» و «شافعی» و «مالک ابن انس» سه تن از



ائمه مذاهب اتفاق نظر دارند که صبر بر ستم حاکم واجب است. درحالی که در مکتب عاشورایی شیعیان، سکوت در برابر حاکم ستمگر گناه کبیره است. در «صحیح مسلم» آمده است که خروج بر امام جائز اجماعاً جایز نیست. حسن البناء می‌گوید:

«اخوان المسلمین حکومت را برای خود مطالبه نمی‌کنند. اگر کسی یافت شد که آمادگی تحمل این بار امانت را داشت و توانست مطابق روش اسلام و قرآن حکومت کند، اخوان، سربازان و یاران او خواهند بود. اما اگر حکومت به احکام اسلامی عمل نکند برای نجات آن باید تلاش کرد». «عمر تلمسانی» می‌گوید: «برای ما مهم نیست که چه کسی حکومت می‌کند اما در درجه نخست، نوع حکومت و قانون اساسی و شکل و سازمان آن حائز اهمیت است، آنگاه هر کس می‌خواهد، حکومت کند». نگاه‌های رهبران اخوان به حاکم در قیاس با نگاه سنتی اهل تسنن یک گام به تفکر شیعی نزدیک شده و پایبندی و اجرای احکام اسلام را به صورت شرط مطرح می‌کنند که می‌تواند عرصه مشترک با فرهنگ انقلاب اسلامی قلمداد شود.

### ۲-۳. آزادسازی همه سرزمین فلسطین و قدس شریف

اخوان المسلمین معتقدند که فلسطین سرزمین وقف اسلامی است و تحت هیچ شرایطی نمی‌توان زمین وقف را به غیرمسلمان واگذار کرد. تاریخ اخوان و جانفشانی آنها به‌ویژه در جنگ ۱۹۴۸ نشان می‌دهد که تا چه حد در راه آزادی فلسطین تلاش و ایثار کردند و این تقریباً همان نگاهی است که امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی داشته‌اند.

در مکتب اخوان گرچه تحقق اهداف با روش‌های مسالمت‌آمیز است اما درباره فلسطین، مبارزه و جنگ را به‌عنوان ابزار رسیدن به هدف آزادسازی فلسطین

واجب می‌دانند. اخوان پذیرش موجودیت اسرائیل را به‌طور کامل رد می‌کنند.

«محمد مهدی عاکف» هفتمین مرشد عام اخوان اعلام کرد که این موضوع از اصول و ثوابت فکری اخوان است که هیچگاه محل بحث و جدل نبوده و نخواهد بود. او می‌گوید: اسرائیل رژیم غاصب سرزمین عربی و اسلامی است و ما در جهت از بین بردن آن عمل خواهیم کرد، هرچند که این تلاش سال‌ها به طول بینجامد.

«محمد بدیع» مرشد عام کنونی اخوان همین مضمون را مورد تأکید مجدد قرار داد اما در عین حال اخوان معتقدند که در صورت عدم توانایی می‌توان همانند صلح حدیبیه نوعی آتش‌بس میان مسلمانان و رژیم صهیونیستی برقرار کرد. اظهارات اخیر محمد بدیع مرشد اخوان در اینکه «معاهده کمپ دیوید کماکان پابرجا است و از آن بر نمی‌گردیم اما ممکن است برخی از بندهای آن تعدیل شود» کمی تعجب‌برانگیز است. البته بسیاری از تحلیلگران نزدیک به اخوان این موضع را ناشی از وجود عهد و پیمان و ضرورت پایبندی به آن اعلام می‌کنند. اظهارات دو ماه پیش «خالد مشعل» رئیس دفتر سیاسی حماس در قاهره در جریان امضای سند توافق آشتی با فتح مبنی بر اینکه حماس از ایده برپایی دولت فلسطین در سرزمین‌های اشغالی ۱۹۶۷ حمایت می‌کند اما اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد و تنها حاضر است در قالب آتش‌بس طولانی‌مدت به ترک مخاصمه بپردازد در همین بستر فکری قابل بررسی و ارزیابی است. نگاه به بحث فلسطین از منظر انقلاب اسلامی ایران و اخوان تا حد زیادی نزدیک است، هرچند که در برخی ایده‌ها اختلاف‌های محدودی به چشم می‌خورد.



## ۲-۴. معنویت در تشکل اخوان

در کتاب رفتاری اخوان (عنوان کتاب تشکیلاتی) موضوع خودسازی فرد مسلمان و خانواده مسلمان و جامعه اسلامی و در نهایت برپایی حکومت اسلامی را در سرلوحه اهداف قرار دارد. همچنین اخوان در یکی از شعارهای اصلی خود اعلام کرده‌اند که «الله غایت ما، پیامبر اسوه و الگوی ما، قرآن دستور و قانون اساسی ما، جهاد در راه خدا راه ما و کشته شدن در راه خدا بهترین آرزوی ما است». اخوان رفتار تربیتی اعضای خود را بر دو پایه اعلام می‌کند. نخست فقهی و براساس پایبندی به فرایض و دوم صوفی مبتنی بر خودسازی و مبارزه با نفس است و این نگاه، حوزه اشتراک بسیاری با نگرش انقلاب اسلامی ایران ایجاد می‌کند.

## ۳. ساختار اخوان المسلمین

### ۳-۱. مرشد عام

بالاترین جایگاه در تشکیلات اخوان است که ازسوی مجلس شورا انتخاب می‌شود. فرد نامزد باید بیش از پانزده سال فعالیت در جمعیت داشته باشد و سن او از ۴۰ سال هجری قمری کمتر نباشد. پس از انتخاب ازسوی مجلس، اعضا با او بیعت می‌کنند و او باید به‌طور تمام‌وقت در اختیار تشکیلات قرار گیرد. دوره مرشد شش سال و قابل تمدید برای یک دوره است. مرشد یک نفر را به‌عنوان جانشین از میان اعضای دفتر ارشاد انتخاب خواهد کرد و می‌تواند دستیاران دیگری نیز برگزیند. انتخابات تاکنون از طریق دفتر ارشاد و نه مجلس شورا صورت می‌گرفت چراکه

نیروهای امنیتی در سال ۱۹۹۵ با حمله به جلسه شورا اکثر اعضای آن را بازداشت، محاکمه و زندانی کردند. درحال حاضر محمد بدیع مرشد کنونی اخوان است.

### ۳-۲. دفتر ارشاد

شورای اجرایی است که نظارت بر فرآیند دعوت، جهت‌گیری‌های سیاسی و مدیریت کلان فعالیت‌ها را برعهده دارد. این دفتر از ۳۰ عضو تشکیل می‌شود که از طریق انتخابات محرمانه گزینش می‌شوند و مدت عضویت اعضای آن ۴ سال است. هشت تن از اعضای این دفتر ازسوی مجلس شورا از منطقه تشکیلاتی مرشد عام و پنج تن دیگر از اعضای آن از نمایندگان مناطق مختلف و بقیه به‌صورت عمومی و آزاد انتخاب می‌شوند. بخش وسیعی از انجمن‌ها و جمعیت‌های خیریه آموزشی، درمانی، خدماتی و... زیر نظر این دفتر اداره می‌شود که عمده‌ترین امکانات مالی این جریان را تشکیل می‌دهد.

### ۳-۳. مجلس شورای عمومی و جهانی

این ارگان همانند قوه مقننه اخوان است و تصمیمات آن الزام‌آور و مدت هر دوره آن چهار سال است. این مجلس وظیفه نظارت کلان بر فعالیت جمعیت و انتخاب مرشد عام آن را برعهده دارد. این مجلس حداقل از ۳۰ عضو تشکیل می‌شود و دربرگیرنده اعضای تشکل‌های اخوانی در کشورهای مختلف است که ازسوی مجلس شورای کشورهای انتخاب می‌شوند و به این مجلس معرفی می‌گردند. این مجلس در صورت احساس ضرورت می‌تواند تا ۱۵ نفر از متخصصان را در زمینه‌های مختلف به جمع



خود اضافه کند. همه افرادی که به پست مرشد عام رسیده پس از پایان دوره آنها به صورت مادام‌العمر به عضویت این مجلس در می‌آیند. در حال حاضر «محمد بدیع» مرشد عام کنونی، «محمد مهدی عاکف» مرشد عام قبلی، «راشد الغنوشی» رهبر جنبش نهضت اسلامی تونس، «ابراهیم منیر» مصری مقیم لندن سخنگوی اخوان در اروپا، «عبدالمجید ذنیبات» ناظر قبلی اخوان در اردن، «خالد مشعل» مسئول دفتر سیاسی جنبش حماس فلسطین، «محمد حسن ولد الددو الشنقیطی» رهبر جنبش تجمع ملی اصلاح و توسعه موریتانی، «زغلول النجار» یکی از چهره‌های تبلیغی و دانشگاهی اخوان مصر و خانم «زینب غزالی» یکی از مبلغان اخوانی مصر از چهره‌های شاخص مجلس شورای کنونی به‌شمار می‌آیند. در تشکیلات اخوان، هر کشوری تشکل ملی خاصی دارد و هر استان از شاخه اداری برخوردار است و بر فعالیت مناطق که تشکیلات شهرهاست، نظارت می‌کند و هر منطقه از یک دفتر و مسئول و دبیر کل و مسئول مالی تشکیل می‌شود و هر منطقه نیز حداقل از سه شعبه و حداکثر از ده شعبه تشکیل می‌شود که شعبه کوچکترین واحد تشکیلاتی اخوان به‌شمار می‌رود.

افراد در اخوان چهار رده تشکیلاتی دارند که عبارتند از: هوادار، ثبت شده، سازمان‌یافته و برادر عامل است. این افراد در چندگونه فعالیت مشارکت می‌کنند که عبارتند از:

- الف) خانواده که کوچکترین هسته تشکیلاتی است که افراد در آن به خواندن یک سری جزوه و کتاب می‌پردازند تا شخصیت اسلامی فردی آنان شکل بگیرد.
- ب) گردان که دربرگیرنده چند خانواده است و هر ماه جلسه دارد و فرآیند خودسازی، مجاهده با نفس و قیام شب و اطاعت و انضباط و محاسبه نفس را دربرمی‌گیرد.

ج) سفر، هسته تربیت دسته‌جمعی است که افراد علاوه بر مسائل معنوی به انجام ورزش‌ها می‌پردازند و برای افزایش صبر و تحمل آموزش می‌بینند و از طریق سفر به روستا یا کویر توان خود را در تحمل گرسنگی و تشنگی افزایش می‌دهند. در این سفرها جداسازی جنسی صورت می‌گیرد و پسران جدا از دختران به این سفرها اعزام می‌شوند.

د) اردو یکی از فعالیت‌های تشکیلاتی است که افراد در فرآیند آن مهارت‌های رهبری و آموزش‌های تربیتی را می‌آموزند.

ه) دوره که عبارت از تجمع تشکیلاتی در مکانی خاص است تا در آن افراد به یکسری سخنرانی گوش دهند و با شرایط فعالیت جنبشی آشنا شوند.

و) سمینار، نوعی تجمع عمومی است که موضوع اجتماعی را مورد بررسی قرار می‌دهد و افراد درون تشکیلات و خارج از آن در آن حضور می‌یابند.

ز) کنفرانس، نوعی تجمع عمومی شهری است که به بررسی یکی از پدیده‌های اجتماعی می‌پردازد و می‌کوشد راه‌حلی برای آن پیدا کند. در این فرآیند تعامل افراد درون تشکیلات و خارج از آن در جهت ارائه راه‌حل برای معضلات اجتماعی پرورش می‌یابد.

در کنگره پنجم حسن‌البناء در نامه‌ای به شرکت‌کنندگان اعلام کرد که اسلام از نگاه اخوان «اعتقاد و عبادت، وطن و تابعیت، روحانیت و عمل، کتاب و شمشیر» است. در همین نامه آمده است اخوان باید به چند اصل پایبند باشد:

۱. دوری از موضوعات اختلاف‌برانگیز،
۲. دوری از سلطه افراد سرشناس و بزرگان،
۳. دوری از احزاب و تشکل‌های دیگر،



۴. اهمیت دادن به خودسازی تدریجی،
۵. تقدم اقدام عملی بر تبلیغات کلامی،
۶. تلاش برای جذب جوانان،
۷. پراکنده شدن در روستاها.

همچنین حسن البناء ده ویژگی را برای یک برادر عامل اعلام کرد که عبارت است از: «فهم، اخلاص، تلاش، جهاد، از خودگذشتگی، فرمانبرداری، ثبات و مقاومت، تجرد، برادری و اعتماد به نفس».

در حال حاضر اخوان بر اکثر سندیکاها تسلط دارند و مهمترین جریان سیاسی در دانشگاه‌ها هستند و شبکه‌ای از هزاران انجمن خیریه فعال در عرصه‌های آموزشی، بهداشتی و امدادی در خدمت دارند. مهمترین ویژگی اخوان این است که به‌کارگیری اجتهاد در تفسیر مجدد قرآن انحصاراً در مجلس شورا برای سازگاری با اقتضای زمان را قبول دارند.

در زمینه روابط با کشورهای دیگر، اخوان گفتگو با غرب را تأیید نمی‌کند مگر با نظارت وزارت خارجه مصر ولی در عین حال از گفتگو با مراکز پژوهشی و مطبوعاتی و همکاری با آنها استقبال می‌کند. تاکنون با «مؤسسه صلح بین‌المللی کارنگی»، «فصلنامه فارن افرن» آمریکا گفتگو داشته و با افراد حقیقی همانند «مارک لینش» و «عمر حمزوی» نیز گفتگو کرده است.

سایت اصلی اخوان به زبان عربی «اخوان اون لاین» و به زبان انگلیسی «اخوان وب» است. از زمان تأسیس اخوان تاکنون هشت مرشد عام داشته که به شرح زیر است:

۱. حسن البناء (۱۹۲۸ تا ۱۹۴۸)

۲. حسن الهضیبی (۱۹۴۸ تا ۱۹۷۳)
۳. عمر تلمسانی (۱۹۷۳ تا ۱۹۸۶)
۴. محمدحامد ابوالنصر (۱۹۸۶ تا ۱۹۹۶)
۵. مصطفی مشهور (۱۹۹۶ تا ۲۰۰۲)
۶. مأمون الهضیبی (۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴)
۷. محمدمهدی عاکف (۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰)
۸. محمد بدیع (۲۰۱۰ تاکنون)

در حال حاضر جمعیت اخوان المسلمین ادعا می‌کند در ۷۲ کشور تشکیلات دارد چنانچه «یوسف ندا» در گفتگو با روزنامه المصری الیوم مدعی شده که بیش از صد میلیون فرد تشکیلاتی در سطح جهان دارد که پانزده میلیون نفر آنها در مصر هستند (۱۰ میلیون اخوانی عامل و ۵ میلیون هوادار). با این وجود، «عبدالستار ملیجی» عضو سابق اخوان که از این تشکیلات اخراج شده، درباره هواداران اخوان در مصر و خارج تشکیک می‌کند و می‌گوید تعداد اخوانی‌ها از صد هزار نفر تجاوز نمی‌کند. همچنین «فواز جرجس» استاد علوم سیاسی دانشگاه «دیلاویر» آمریکا اخوان را اسلامگرایان میانه معرفی کرده و ادعا دارد که در صورت برگزاری انتخابات در مصر، آنها بیشترین شانس برد را دارند و حداقل بین ۲۵ تا ۳۰ درصد از مجموع آرا را به دست خواهند گرفت. یکی از مراکز نظرسنجی آمریکا نیز اخیراً با برگزاری نظرسنجی در مصر اعلام کرد که ۶۹ درصد از مصری‌ها بر این باورند که اخوان به دموکراسی اعتقاد دارند.

در این میان، «ابوالعلا ماضی» یکی از اعضای سرشناس اخوان که چند سال



پیش از این تشکل خارج شد و افرادی مانند «مختار نوح» و «ثروت الخرباوی» نیز این کار را کرده و پس از موج بیداری اخیر، ماضی حزب وسط را تشکیل داده و ممکن است در انتخابات ریاست جمهوری نیز نامزد شود.

از سوی دیگر، «ایمن الظواهری» که رهبر تشکیلات الجهاد مصر است و اخیراً به عنوان مرد شماره یک القاعده انتخاب شده است کتابی را تحت عنوان «دروی تلخ، اخوان در شصت سال» نگاشت که در آن به شدت از اخوان انتقاد کرد. او اخوان را دچار اشکال و انحراف فکری می‌داند و بر آنها خرده می‌گیرد که همواره از حکام جور حمایت کرده و قانون اساسی وضعی و فرآیند دمکراسی را که پدیده‌ای غربی هستند پذیرفته و بیزاری خود را از خشونت اعلام نموده و احزاب سکولار و غیراسلامی را مشروع می‌داند و جابجایی قدرت و رقابت برای کسب آن را تأیید می‌کند.

الظواهری می‌گوید: با اینکه خداوند حکام غیرعامل بما انزل الله را کافر می‌داند اما اخوان آنها را تکفیر نمی‌کنند بلکه با تعامل با این نظام‌ها به آنها مشروعیت می‌بخشند. او کنار گذاشتن جهاد برای برپایی نظامی اسلامی را گناه نابخشودنی اخوان می‌شمارد و به علت همین انحراف است که اخوان به‌کارگیری فعالیت مسلحانه را مخالفت با احکام شرع می‌شمارند. او در پایان این کتاب، پارادوکس رفتاری اخوان را به عنوان اشکال مطرح می‌کند و می‌پرسد چرا اخوان در فلسطین جنگیدند اما در برابر حکام جور مصر دست به سلاح نبردند؟ آیا جهاد در فلسطین واجب‌تر از جهاد بر ضد رهبران مرتد مصر است؟ سپس او یک اشکال شرعی و اولویت‌بندی از نگاه خود را مطرح می‌سازد که قتال مرتد مقدم بر جهاد بر ضد کافر اصلی است. او معتقد است زمانی به آزادسازی فلسطین باید پرداخت که حکم‌الله اقامه شده است.

در حال حاضر جمعیت اخوان المسلمین یکی از نیروهای اسلامی موجود در مصر است. در کنار آن جریان سلفی و همچنین نیروهای سلفی - تکفیری فعال هستند. نیروهای سلفی که از حمایت گسترده عربستان سعودی برخوردارند به موازات اخوان فعالیت می‌کنند و اخیراً «حزب نور» را تشکیل داده‌اند. این جریان در حال حاضر با بهره‌گیری از شرایط اقتصادی موجود در مصر از مزیت‌های خاصی بهره‌مند است. در سیاست‌های لیبرالیستی چند دهه اخیر دولت «مبارک» بسیاری از شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی واگذار شد که در این فرآیند افراد ثروتمندی مانند «ولید بن طلال»، «صالح کامل» از عربستان و «ناصر خرافی» از کویت و چندین سرمایه‌گذار اماراتی، صدها شرکت و ساختمان در مصر را به مالکیت خود در آوردند و این طرف‌ها یکی از مهمترین پناهگاه‌های جریان سلفی هستند. این شرکت‌ها از یکسو به جریان سلفی کمک مالی می‌کنند و از سوی دیگر فرصت شغلی برای آنان فراهم می‌نمایند. به عنوان مثال در سال ۱۹۹۲ شرکت پتروشیمی خلیج سوئز به شرکت سابق عربستان فروخته شد و این مؤسسه به تنهایی هزاران فرصت شغلی در اختیار سلفی‌ها قرار داده است. جریان سلفی در حال حاضر در ۱۵ استان از ۲۷ استان مصر فعال است و دفاتری دایر کرده است و گفته می‌شود که در شهر اسکندریه از پایگاه اجتماعی قابل توجهی برخوردار است. آنها اخیراً اعلام کردند که در انتخابات آتی شرکت خواهند کرد و اجرای احکام دینی را از درون ساختار پیگیری خواهند نمود. جریان سلفی - تکفیری برخلاف جریان سلفی و اخوانی، پراکنده و فاقد توان مالی است و سرکوب شدید آنها از سوی نظام قبلی به‌ویژه در چهار دهه اخیر آنها را با مشکلات عدیده‌ای مواجه ساخته است، به همین علت تصور نمی‌شود که آنها در



ساختار آینده مصر جایگاهی پیدا کنند. آنها اعتقادی به اصلاح شرایط از درون ساختار ندارند و به علت خطمشی مسلحانه بر ضد نظام نمی‌توانند پایگاه قابل توجهی برای خود در میان مردم مصر دست‌وپا کنند.

#### ۴. اخوان المسلمین در کشورهای دیگر

جماعت اخوان المسلمین از همان ابتدای تشکیل خود در مصر، به‌دلیل شباهت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که با دیگر کشورهای عرب زبان داشت، وارد این کشورها شد و کم‌کم به قدرتمندترین جریان سیاسی و اجتماعی تبدیل شد. روند انتقال این جریان به کشورهای اسلامی غیرعرب نیز از همان ابتدای شکل‌گیری این جریان شروع شد و در بسیاری از کشورهای اسلامی حضور و نفوذ داشت. اما شناخته شده‌ترین شعبه‌های اخوان را می‌توان در کشورهای عربی - اسلامی خاورمیانه و مرتبط با مصر مشاهده کرد.

جماعت اخوان هرچند در کشورهای مختلف نام و عنوان دیگری داشتند، اما همه سیره و روش خود را از اخوان المسلمین مصر گرفته و در ظرف آن حرکت کرده و می‌کنند. هرچند در مصر اخوان نتوانست به قدرت برسد و تنها به عنوان یک قدرت اجتماعی در عرصه زندگی مردم این کشور باقی ماند، اما بدون شک، در برخی از نقاط دیگر که این جریان موفق به دست گرفتن قدرت شدند، موفقیت‌های بسیاری از خود برجای گذاشتند. در این مجال به بررسی شاخه‌های فعال اخوان در کشورهای عربی - اسلامی و جایگاه و پایگاه آنها می‌پردازیم.

#### ۱-۴. لیبی

جریان اخوان المسلمین از دهه ۱۹۴۰ وارد لیبی شد. این جریان همانند مصر، بر کار اجتماعی و فرهنگی تأکید داشت و در این زمینه اقداماتی هم به عمل آورد. همزمان با کودتای قذافی و طرح او برای سرکوب جریان‌های اسلامگرا، اخوان المسلمین لیبی نیز به شدت سرکوب شدند. اخوان در لیبی به‌دلیل فشارهای بسیار حکومت، دچار انشعاب شد و برخی از جریان‌های آن به حاکمیت از جمله سیف‌الاسلام قذافی نزدیک شدند. رهبری این جریان در لیبی در طول چهار دهه گذشته از این کشور خارج شده و ریاست آن را سلیمان عبدالقادر که مقیم سوئیس است برعهده دارد. رهبری این جریان از ابتدای انقلاب مردم لیبی علیه قذافی وارد عمل شده و بار دیگر فعالیت خود را از سر گرفته است.

#### ۲-۴. تونس

اخوان المسلمین در تونس تحت لوای حزب النهضة شکل گرفت. این حزب به‌دلیل سیاست‌های حبیب بورقیبه و پس از وی زین‌العابدین بن‌علی از همان ابتدا با مشکلات عدیده‌ای مواجه بودند و رهبران آن به تبعید فرستاده شدند. در پی انقلاب مردمی اخیر در تونس، جنبش اخوان المسلمین این کشور بار دیگر در تلاش است تا هویت خود را احیا کند و از این طریق در روند سیاسی کشور مشارکت داشته باشد.

#### ۳-۴. الجزایر

با وجود نزدیکی مصر و الجزایر به هم، جنبش اخوان المسلمین آن‌گونه که باید در این کشور حضور فعال نداشت. در سال ۱۹۹۰ پس از آنکه جبهه نجات ملی الجزایر به



رهبری عباس مدنی موفق به کسب بیشترین آرای مردمی در انتخابات شد، دولت کودتا تلاش کرد تا «جنبش مجتمع السلم» که از آن به عنوان اخوان المسلمین الجزایر یاد می‌شود را به درون قدرت وارد کرده و در مقابل جبهه نجات اسلامی این کشور قرار دهد. این جریان همچنان یکی از شرکای اصلی دولت الجزایر است و چندین نماینده در پارلمان کنونی این کشور دارد.

#### ۴-۴. مراکش

جنبش اخوان المسلمین به دلیل سیاست‌های سختگیرانه حکومت مراکش موفق به تشکیل رسمی شعبه اخوان المسلمین در این کشور نشد، اما جنبش اصلاح و توحید و شاخه پارلمانی این جنبش به نام حزب عدالت و توسعه، از تفکر اخوان المسلمین تبعیت می‌کنند اما در فهرست شاخه جهانی اخوان قرار نمی‌گیرند. این جریان در مراکش در تلاش است با استفاده از ظرفیت‌های موجود وارد عرصه سیاسی این کشور شود.

#### ۴-۵. موریتانی

اخوان المسلمین در این کشور که دارای گرایش‌های اسلامی شدیدی است، فعال هستند. جنبش اصلاحیون الوسطیون به عنوان شاخه اخوان در موریتانی فعالیت دارد و جناح سیاسی آن نیز در این کشور فعالیت دارد. این جریان اسلامگرا تلاش دارد تا در حکومت مشارکت داشته باشد.

#### ۴-۶. سودان

یکی از اولین کشورهایی که تحت تأثیر افکار اخوان قرار گرفت، سودان بود. سودان تا پیش از جدایی با مصر کشوری مشترک را تشکیل می‌دادند و به همین واسطه رفت‌وآمد اعضای اخوان مصر در این کشور به شدت ادامه داشت. در سال ۱۹۶۹ نخستین جرقه‌های شکل‌گیری اخوان در سودان زده شد و پس از آن در قالب احزاب گوناگون در صحنه سیاسی این کشور نقش‌آفرینی کرد. اخوان سودان یکی از قوی‌ترین جریان‌های سیاسی در جهان عرب را تشکیل می‌دهد و از همان ابتدا موفق به حضور در عرصه سیاسی شد. حسن عمرالبشیر رئیس‌جمهور فعلی و حسن ترابی متحد وی در حزب کنفرانس ملی، از دست‌پروردگان مکتب اخوان المسلمین بودند که همچنان در قدرت حضور دارند. سودان را باید نخستین کشوری دانست که اخوان موفق شد در آن وارد مشارکت سیاسی قدرتمند و گسترده شود.

#### ۴-۷. اردن

اخوان المسلمین در اردن یکی از قدیمی‌ترین و قدرتمندترین جریان سیاسی و مذهبی را تشکیل می‌دهند. این جنبش به دلیل فعالیت‌هایش در موضوع فلسطین و شرکت در جنگ‌های متعدد با رژیم اسرائیل جایگاه و پایگاه مهمی به دست آورد. اخوان المسلمین در اردن همواره مشارکت سیاسی گسترده‌ای در امور سیاسی داشته، هرچند خاندان حاکم تلاش داشته و دارند تا اعضای اخوان را از دولت دور نگه دارند، اما در مجلس اردن همواره یکی از مهمترین فراکسیون‌ها را تشکیل داده‌اند. اخوان المسلمین اردن در انتخابات سال ۲۰۰۳ توانست ۱۷ نماینده به پارلمان این کشور بفرستد ولی در



انتخابات سال ۲۰۰۷ که با تقلب و سختگیری بسیار نسبت به اعضای این جنبش همراه بود، تنها شش نماینده در پارلمان دارد. این جنبش پس از شروع اعتراضات مردمی در کشورهای عربی خواستار اصلاح نظام پادشاهی در این کشور و تبدیل شدن آن به نظام مشروطه سلطنتی شده است.

#### ۴-۸. فلسطین

جنبش‌های اسلامی فلسطین بیش از همه از اخوان المسلمین الگو گرفته‌اند. در فلسطین اخوان در نقطه متمرکز هستند، یک جریان آنکه موفق شد وارد قدرت شده و دولت فلسطین را تشکیل دهد و جریان دیگر که در سرزمین‌های اشغالی ۱۹۴۸ حضور دارد و به فعالیت دینی و سیاسی علیه رژیم اسرائیل مشغول است. جنبش مقاومت اسلامی فلسطین، حماس، شاخه فلسطینی اخوان المسلمین است که در حال حاضر کنترل نوار غزه را در دست دارد. این جنبش در انتخابات سال ۲۰۰۶ موفق شد از سوی مردم فلسطین به عنوان پیروز انتخابات، دولت را تشکیل دهد. حماس شاخه نظامی قدرتمندی دارد و در حال حاضر تنها شعبه‌ای از اخوان است که دارای توان نظامی رسمی می‌باشد.

#### ۴-۹. سوریه

اخوان المسلمین در سوریه نیز سابقه‌ای به اندازه اردن دارند، اما روی آوردن آنها به فعالیت سیاسی در دوران حکومت حافظ اسد، باعث شد تا روابط میان دولت و جماعت به شدت تیره شود. شاخه نظامی این جنبش در سوریه توانسته بود در ارتش این کشور رخنه کرده و عضوگیری کند. این عضوگیری مقدمات درگیری‌های گسترده

شاخه نظامی اخوان با دولت سوریه بود که باعث درگیری‌های بسیاری برای حکومت شد. نتیجه این درگیری‌ها، سرکوب خونین دوم فوریه سال ۱۹۸۲ را به وجود آورد که در آن نیروهای ارتش سوریه شهر حماه را محاصره کرده و به شدت گلوله‌باران کردند که در پی آن هزاران نفر کشته شدند. پس از این سرکوب خونین و شدید، اخوان رهبری خود را از سوریه به خارج منتقل کرد و در حال حاضر عمده‌ترین جریان معارض دولت سوریه به‌شمار می‌رود. عضویت و فعالیت در این تشکیلات جرم بوده و زندان‌های طولانی‌مدت را به همراه دارد. خصومت و دشمنی شدید بین اخوان سوریه با رژیم اسد باعث شده که اخوان سوریه، همان‌طور که در جریان انقلاب‌های منطقه مشاهده می‌شود، عملاً روابط و بلکه همکاری‌های نزدیکی با سرویس‌های غربی به‌خصوص ام.آی.سیکس انگلیس داشته باشند.

#### ۴-۱۰. لبنان

«الجماعه الإسلامية فی لبنان» عنوان رسمی اخوان المسلمین در کشور موزائیکی لبنان است. این جماعت یکی از قوی‌ترین جریان‌های مذهبی به‌شمار می‌رود که اهل سنت از آن پیروی می‌کند. در لبنان جریان‌های اسلامی دیگری نیز وجود دارند که الگوی رفتاری آنها اخوان المسلمین مصر است، اما هیچ‌کدام از آنها به اندازه جماعت اسلامی موفق به این کار نشده است. این جریان اسلامگرا در لبنان به مقتضای فضای فرهنگی و سیاسی لبنان با دیگر شاخه‌های اخوان متفاوت است. اندیشه‌های لیبرالی را به خوبی می‌توان در نوشته‌ها و سخنان رهبران آن مشاهده کرد، کما اینکه در مورد مقاومت نیز نظر مساعدی دارند و همواره از مقاومت اسلامی لبنان در برابر تجاوزات اسرائیل



و حملات سیاسی داخلی حمایت کرده و می‌کند. مرحوم فتاحی یکن مؤسس این جریان اسلامی در لبنان بود و پس از وی شیخ فیصل مولوی هدایت این جریان را برعهده دارد.

#### ۱۱-۴. عراق

جماعت اخوان المسلمین در عراق عملاً دو شعبه دارد: یک شعبه متعلق به اهل سنت عرب زبان و دیگر مربوط به کردهای این کشور می‌شود. شاخه عربی آن در سال ۱۹۶۰ توسط محمد محمود الصواف با عنوان حزب اسلامی عراق تأسیس شد. اما این حزب تنها دو سال فعالیت کرد و از آن پس به مدت چهل سال از فعالیت دست کشید تا پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ توسط آمریکا این حزب وارد عرصه سیاسی این کشور شد. این حزب در طول یک دهه گذشته فراز و نشیب‌های بسیاری داشته است و معروفترین عضو آن که از آن جدا شد، طارق الهاشمی معاون فعلی رئیس‌جمهور عراق است. تشکیلات این جریان به خصوص در حوزه تبلیغات پس از سرنگونی رژیم بعث بسیار گسترده است، اما در برابر دیگر احزاب و جریان‌های قدرتمند سنی حاضر در عرصه سیاسی این کشور چندان به چشم نمی‌آید. اخوان المسلمین در کردستان عراق نیز از جدیدترین شاخه‌های جهانی اخوان می‌باشد که در سایه جدایی اقلیم کردستان از کنترل رژیم صدام، در سال ۱۹۹۴ با عنوان اتحاد اسلام کردستان عراق اعلام وجود کرد. این حزب از احزاب میانه‌رو کرد به‌شمار می‌رود.

#### ۱۲-۴. کویت

جمعیت اصلاح اجتماعی کویت و شاخه سیاسی آن، جنبش قانونی اسلامی نمایندگی اخوان المسلمین در کویت را برعهده دارند. این جریان پس از حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ رشد چشمگیری داشته است، اما نتوانسته در برابر برخی جریان‌های سنی سلفی مورد حمایت دولت کویت خود را نشان دهد.

#### ۱۳-۴. بحرین

جمعیت اصلاح بحرین و شاخه سیاسی آن با عنوان جمعیت منبر اسلامی، اخوان را در بحرین تشکیل می‌دهند. به دلیل در اقلیت بودن اهل سنت در بحرین، این جریان به شدت مورد حمایت دولت است و توانسته نمایندگانی را به پارلمان ۴۰ نفره بحرین بفرستد.

#### ۱۴-۴. عربستان

اخوان المسلمین در عربستان به دلیل عدم وجود جریان‌های سیاسی و احزاب مستقل تابع سیاست حکام آل سعود بوده است. در سال‌های حکومت فیصل بن عبدالعزیز ۱۹۶۴-۱۹۷۵ که اختلافات سیاسی میان مصر و عربستان زیاد بود، اخوان مجال رشد در عربستان یافتند. پس از مرگ ناصر و روی کار آمدن سادات، فیصل تلاش کرد تا روابط میان سادات و اخوان را نزدیک کند. اخوان المسلمین در عربستان علاوه بر دلایل سیاسی به دلیل حضور علمای وهابی مجال رشد نیافته است، اما براساس نوشته منابع نزدیک به جریان جهانی اخوان، مردم این کشور به اندیشه‌های این جریان نزدیک هستند.



## ۴-۱۵. یمن

حزب التجمع الیمنی للإصلاح، عنوان شاخه یمنی جریان اخوان المسلمین است. این جریان به رهبری شیخ عبدالمجید الزندانی از مخالفان سرسخت دولت علی عبدالله صالح به‌شمار می‌رود. حزب اصلاح یکی از مهمترین و قدرتمندترین احزاب یمنی به‌شمار می‌رود. در اعتراضات اخیر در این کشور، به سمت مردم گرایش پیدا کرده است.

## ۴-۱۶. مالزی

جریان اخوان المسلمین در مالزی قدرتمند است. علاوه‌بر حزب اسلامی مالزی که نمایندگی این جریان را برعهده دارد، دیگر احزاب اسلامگرا در این کشور نیز تحت تأثیر اخوان المسلمین هستند. احزاب اسلامگرا موفق شده‌اند در دوره‌های متمادی کنترل دولت را در مالزی برعهده داشته باشند که از معروف‌ترین آن می‌توان به ماهاتیر محمد اشاره کرد.

## ۴-۱۷. اندونزی

حزب عدالت و رفاه در اندونزی شاخه اخوان المسلمین این کشور به‌شمار می‌رود. پس از سرنگونی رژیم سوهارتو، احزاب اسلامگرا بار دیگر در عرصه سیاسی این کشور حاضر شدند. حزب عدالت و رفاه در طول یک دهه گذشته روند رو به رشدی را طی کرده است به‌گونه‌ای که در انتخابات سال ۲۰۰۹ موفق شد ۵۷ کرسی از پارلمان ۵۶۰ نفری اندونزی را از آن خود کند. این حزب در انتخابات سال ۱۹۹۹ تنها هفت کرسی را به دست آورده بود.

## ۴-۱۸. ترکیه

ترکیه به‌عنوان میراث‌دار خلافت عثمانی پس از جنگ جهانی اول با برگزیدن نظام لائیک، به جدایی دین از دولت اقدام کرد. اما به‌دلیل پیوندهای دیرینه میان قاهره و استانبول، افکار و آرای اخوان المسلمین به‌سرعت به این کشور نیز سرایت کرد. با ظهور نجم‌الدین اربکان در عرصه سیاسی ترکیه، حرکت‌های اسلامگرا تقویت شدند. اربکان توانست در سال ۱۹۷۲ نخستین دولت اسلامگرا را در تاریخ این کشور پس از برآمدن نظام لائیک تأسیس کند. اما این دولت تنها ۹ ماه در قدرت بود و با تهدید ارتش و رأی دادگاه عالی قانون اساسی ترکیه منحل شد. احزابی که اربکان در عرصه سیاسی ترکیه یکی پس از دیگری تأسیس کرد، عملاً برگرفته از اندیشه‌های اخوان المسلمین بود. اما هر وقت این جریان در دولت حاضر می‌شد با تهدید ارتش ناچار به عوض کردن نام و تریبون خود می‌شد. در دل جریانی که اربکان تأسیس کرد و در آخرین حزب وی که عنوان رفاه ملی را داشت، نسل جدیدی از دولتمردان تربیت شدند که پس از انحلال این حزب با عنوان حزب عدالت و توسعه وارد عرصه سیاسی شدند و در انتخابات سال ۲۰۰۳ موفق به به‌دست گرفتن زمام امور شدند. درحال حاضر ترکیه بزرگ‌ترین کشور اسلامی است که اخوان المسلمین در آن قدرت را به‌صورت رسمی در دست دارد. اهمیت جایگاه اخوان در ذهن تصمیم‌گیران ترکیه تا آنجاست که یکی از علل همراهی ترکیه با سیاست‌های آمریکا در قبال تحولات منطقه، تلاش برای تقویت جایگاه منطقه‌ای اخوان و بالتبع معرفی ترکیه به‌عنوان رهبر عملی آن و در نتیجه رهبری جهان اهل سنت و ایجاد یک کمربند اخوانی در منطقه بوده است. این ملاحظه باعث شده که ترکیه عملاً غربگرایی را بر اسلامگرایی ترجیح دهد.



## ۵. اخوان المسلمین و جنبش بیداری اخیر در مصر

هنگامی که جوانان مصری در بهمن‌ماه ۱۳۸۹ حرکت اعتراضی خود را با تجمع و تحصن در میدان التحریر قاهره آغاز کردند، جمعیت اخوان‌المسلمین به‌علت سرکوب ده‌ها ساله و عدم اطمینان از به نتیجه رسیدن این حرکت، موضع خود را اعلام نکرد، اما پس از ۳ روز تصمیم گرفت از این حرکت اعتراضی مردم حمایت کند و در روزهای جمعه و پس از اقامه نماز جمعه از میلیون‌ها هوادار خود خواست تا در میدان تحریر حضور یابند و برای سرنگونی رژیم مبارک تلاش کنند. بازگشت اخوان به صحنه دگرگونی‌های سیاسی پس از چند دهه رفتاری دوگانه، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. عمر تلمسانی مرشد عام اخوان در سال ۱۹۸۱ پس از آزادی از زندان به قصر عابدین (ریاست‌جمهوری) رفت و با مبارک بیعت کرد. اینکه اکنون اخوان در مقابل حاکم (ولی امر) موضع بگیرد و اقدام عملی جهت سرنگونی آن بکند، یک گام به جلو در ابعاد ایدئولوژیک به‌شمار می‌رود و میزان اشتراکات فکری با انقلاب اسلامی درباره حاکم مسلمان را افزایش می‌دهد.

تحولات سیاسی شتابان مصر از جمله استعفای مبارک پس از ۱۸ روز از آغاز قیام و باز شدن فضای سیاسی این کشور، اخوان را در برابر تصمیمات اساسی درباره نظام سیاسی آینده و نحوه حضور اخوان در آن قرار دارد. اولین بحثی که در درون اخوان در گرفت اینکه اخوان تبدیل به یک حزب سیاسی شود. بسیاری از کادرهای قدیم این جنبش با این ایده مخالفت کردند و اعلام کردند که اخوان یک حرکت برای دعوت به‌سوی اسلام است و آلوده شدن دعوت به حکومت‌داری به نفع

جریان اسلامی نیست.

این اختلاف به‌سرعت یکسره شد و مجلس شورای اخوان در اولین جلسه پس از ۱۶ سال تصمیم گرفت حزبی به نام «آزادی و عدالت» را تأسیس کند و «محمد مرسی» یکی از اعضای شناخته شده اخوان را برای ریاست آن انتخاب کرد. همچنین «عصام العریان» را به‌عنوان جانشین رئیس و «سعد الکتانتی» دبیر حزب تعیین کرد.

مهمترین ویژگی این حزب این است که مقررات تشکیل احزاب را که مبتنی بر دین و یا طبقه نباشد رعایت کرده و از مهمترین شعار حرکت یعنی «اسلام، راه‌حل» چشم‌پوشی نکرده است. العریان در اولین کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد که ما به‌دنبال قدرت نیستیم اما مشارکت در آن را رد نمی‌کنیم و شرکت در قدرت را وظیفه می‌شماریم. با اعلام شورای عالی نظامی در به فراندوم گذاشتن قانون اساسی موقت، جنبش اخوان و بسیاری از جریان‌های اسلامی دیگر و «حزب وفد» از این حرکت حمایت کرده و اعلام نمودند که آنها به این قانون اساسی موقت برای برگزاری انتخابات آری خواهند گفت.

در مقابل جوانان و احزاب چپ، ناسیونالیست‌ها، ملی‌گراها و حتی لیبرال‌ها اعلام کردند که آنها مخالف اصلاحات از بالا به پایین هستند. به‌عبارت دقیق‌تر اخوان موافق این هستند که پارلمان براساس قانون اساسی موقت انتخاب شده و قانون اساسی را تدوین کند، درحالی که جریان مقابل معتقد است اصلاحات از پایین به بالا باید باشد، یعنی ابتدا تدوین قانون اساسی و سپس برپایی انتخابات پارلمانی و ریاست‌جمهوری براساس آن است. رأی بالای مردم به فراندوم (۷۷ درصد) جریان ضد اخوان را به‌شدت وحشت زده و نگران کرد، چراکه اگر اخوان و هم‌پیمانانش بیش از دوسوم



آرای مردم و جامعه را در اختیار دارند، جریان سکولار راهی جز تسلیم قدرت به اسلامگرایان در انتخابات بعدی نخواهد داشت. به همین علت جریان سکولار حمله تبلیغاتی گسترده‌ای را تحت عنوان «نخست قانون اساسی» (الدستور اولاً) آغاز کرد که بسیاری از سرمایه‌داران از آن حمایت کرده و هزینه‌هایی نیز برای تحقق آن برعهده گرفتند. مهمترین نکته این تبلیغات (انتخابات پارلمانی پیش از تدوین قانون اساسی) به معنای طولانی کردن مدت زمان حکومت انتقالی مجلس عالی نظامی است. در این میان، «محمد مرسی» رئیس حزب «آزادی و عدالت» اخیراً اعلام کرد هرگونه دعوت برای به تأخیر انداختن انتخابات پارلمانی نوعی خدمت به صهیونیسم و دشمنان مصر خواهد بود. البته همزمان اخوان در برابر نگرانی جریان سکولار، سیاست آرام‌سازی را در پیش گرفته است و اعلام کردند اخوان تنها ۳۰ درصد از مجموع نمایندگان در انتخابات پارلمانی نامزد معرفی خواهد کرد و از هم‌اکنون اطمینان می‌دهد که برای ریاست‌جمهوری نامزدی نخواهد داشت و این گامی در جهت کاهش واکنش‌های جریان سکولار است.

هرچند این تحولات نشان می‌دهد اخوان و جریان اسلامی از تشکل خوب و بالایی برخوردار است، اما در عین حال این مسائل به درون اخوان نیز کشیده و به چالشی جدی تبدیل شده است. به عبارت دقیق‌تر اخوان در مدت اخیر به‌ویژه دهه اخیر گسترش زیادی داشته است و از آغاز موج اعتراضات اخیر این بحث در درون تشکیلات اخوان مطرح شد که اخوان در عرصه سیاسی دخالت نکند اما افراد تشکیلاتی از آزادی عمل در فعالیت‌های سیاسی برخوردار باشند. تصمیم شورای ارشاد در تأسیس حزب آزادی و عدالت و واگذاری آن به یکی از شخصیت‌های گارد

قدیم اخوان، خوشایند نسل جوان در درون اخوان نبود به‌ویژه که جوانان اخوان که معروف به فراکسیون اصلاح‌طلب هستند در رهبری قیام نقش قابل توجهی داشته و به همین علت آنها با نادیده گرفتن فرامین تشکیلاتی و بدون استعفا دست به تشکیل احزاب موازی زدند. «حزب النهضه» که به رهبری «ابراهیم زعفرانی» است از جمله این احزاب است. زعفرانی رئیس «کمیته امداد انسانی اتحادیه پزشکان عرب» و هم‌پیمان «عبدالمنعم ابوالفتوح» یکی دیگر از چهره‌های اخوانی متمرّد است که خود را برای نامزدی ریاست‌جمهوری آماده می‌سازد. «حزب الریاده» به رهبری «خالد داوود» و «هیثم ابوخلیل» و حزب «اصلاح و توسعه» به رهبری «حامد دفراوی» و «حزب تیار مصری» که مجموعه‌ای از جوانان از جمله «محمد قصاص» و «سلام لطفی» آن را تأسیس کردند، همگی از سوی افراد اخوانی تأسیس شده و نشان‌دهنده نوعی سرکشی‌های تشکیلاتی است که اخوان درحال حاضر با آن روبرو است. درحال حاضر صدها نفر از اخوان نیز استعفا دادند و خود را برای شرکت در انتخابات آماده می‌کنند.

اختلاف بر سر اولویت تدوین قانون اساسی و یا برگزاری انتخابات پارلمانی، اخوان را به‌سوی اتحاد و ائتلاف‌های ناخواسته با دیگر تشکل‌ها می‌برد که ممکن است پیامدهای سیاسی برای آن داشته باشد. درحال حاضر اخوان و «حزب وفد» و برخی احزاب اسلامی موافق برگزاری انتخابات براساس قانون اساسی موقت هستند درحالی که احزاب سکولار اولویت تدوین قانون اساسی را مطرح می‌کنند. اخوان در چارچوب یارگیری سیاسی «هم‌پیمانی دمکراتیک برای مصر» را با ۲۸ حزب دیگر تشکیل داده است و در مقابل احزاب سکولار تاکنون موفق به ایجاد جبهه و یا ائتلاف واحد نشده‌اند. در این میان دیدگاه شورای عالی نظامی به اخوان نزدیک‌تر است تا



سکولارها. این مسئله نوعی سوءظن نسبت به اخوان ایجاد کرده است، به‌ویژه که آمریکا نیز گفتگو با اخوان را آغاز کرده است. در حال حاضر ارتش نیز سعی دارد با اتحاد و ائتلاف پنهانی جایگاه خود را حفظ کند. ارتش مصر در حال حاضر آمادگی ندارد با برگزاری انتخابات قدرت را واگذار کند و به پادگان‌های خود برگردد، بلکه امیدوار است با زدوبند با اخوان، به‌عنوان حامی قانون اساسی و استقلال ملی در قانون اساسی جدید معرفی گردد و این‌گونه ارتش در بسیاری از مسائل حق «وتو» پیدا کرده و به‌عنوان داور نقش ایفا کند.

ارتش برای رسیدن به این هدف به‌صورت غیرمستقیم اصول فوق قانون اساسی را مطرح کرده و می‌کوشد این اصول را به‌صورت توافقی و نه انتخاباتی به تصویب برساند و آن را مبنای حقوق سیاسی ارتش در آینده و مافوق قانون اساسی قرار دهد که در آینده تدوین خواهد شد. برخی از تحلیلگران مصری اعلام می‌کنند که معلوم نیست ارتش چه اهدافی را دنبال می‌کند و با طرح و تست زدن این خواسته‌ها در پی چه جایگاهی است.

در این شرایط پیچیده سیاسی، جریان‌های سلفی که از حمایت گسترده عربستان سعودی برخوردارند، اخیراً تصمیم گرفتند از آب گل‌آلود ماهی بگیرند. در جمعه ۲۹ جولای این جریان برای اولین بار تصمیم گرفت در میدان تحریر حضور یابد و به نوعی قدرت نمایی کند. اخوان با تصمیم جریان سلفی، حضور نمادینی در میدان تحریر یافت و جوانان به این اقدام اعتراضات تندی داشتند اما در عین حال حضور گسترده سلفی‌ها از داخل و خارج قاهره و حضور برخی از جریان‌های تکفیری مانند جماعت اسلامی و الجهاد و نیز هواداران القاعده در کنار آنها نشان از خطری است که

اخوان را در آینده تهدید می‌کند و ممکن است جامعه اسلامی مصر را دچار چنددستگی سازد. اقدام جریان سلفی پس از سقوط مبارک در حمله و تلاش برای تخریب برخی از امامزادگان اهل بیت پیامبر (ص) با واکنش تند اخوان و مردم روبرو شد و این جریان آغاز تقابل فکری و عملی را به نمایش می‌گذارد. تأسیس حزب نور ازسوی جریان سلفی نیز تصمیم این جریان برای ورود به عرصه انتخابات و رقابت درون پایگاه اسلامگرایان را نشان می‌دهد. این جریان اخیراً تعدادی از مساجد و شبکه‌های تلویزیونی که در اختیار دارند را برای فعالیت سیاسی خود به‌کار گرفته و سعی می‌کند پایگاه اجتماعی و سیاسی خود را گسترش دهد. اعلام اینکه این جریان معتقد به اجرای احکام اسلامی به زور در زمینه‌های حجاب و حدود نیست، بخشی از فعالیت‌های تبلیغی جاری آنها است که چهره اسلامگرایان سلفی را بازسازی کند. دکتر «یسری حمدی» از چهره‌های سلفی شهر اسکندریه اخیراً اعلام کرده است که سلفی‌ها در انتخابات آتی همه را غافلگیر خواهند کرد.

شکی نیست که اخوان‌المسلمین یک جریان اصیل اجتماعی است و دارای پایگاه مردمی گسترده است، اما زمانی که برخی رفتارهای سیاسی رهبران آن، چنددستگی درونی ایجاد می‌کند، قطعاً اتحاد و ائتلاف‌های بیرونی پیامد بیشتری می‌تواند داشته باشد چراکه اتحاد و ائتلاف ایجاب می‌کند امتیازاتی داده و یا گرفته شود و گفتگوهایی صورت گیرد و توازن‌هایی شکل پذیرد که همه آنها می‌تواند نارضایتی اقشاری از اخوان را ایجاد کند و یا هواداران آن را دچار تردید سازد. گفتمان سلفی‌ها پس از رفراندوم که متکی بر محور پیروزی اسلام بر کفر و جاهلیت بود، جامعه مصری را تا حدی متشنج کرد و اجماع‌سازی در آن را دیگر ناممکن ساخته است. یکی از چهره‌های



مصری می‌گوید: «سرکوب مبارک ما را تا حدی متحد کرد و آزادی از رژیم مبارک ما را به شدت متفرق ساخت» و این توصیف دقیقی از وضعیت فعلی مصر است.

### توصیه‌ها

۱. رقابت میان اخوان و سلفی‌ها در آینده امری اجتناب‌ناپذیر است چراکه اصولاً اخوان یک جریان اصلاح‌طلب دینی میانه‌رو است که مشرب صوفی نیز دارد و این ویژگی‌ها با جریان تندرو و متحجر سلفی در تعارض است و علاوه بر آن پایگاه حمایتی اخوان، داخلی است، درحالی که پایگاه حمایتی سلفی‌ها، عربستان است و این مسئله افتراق را الزامی می‌سازد. به‌ویژه که عربستان احتمالاً سعی خواهد کرد از طریق سلفی‌ها پایگاهی سیاسی برای خود در مصر دست‌وپا کند، درحالی که اخوان بر ویژگی استقلال خود تأکید دارند. این شرایط فرصتی را فراهم می‌کند تا به اخوان نزدیک شده و نوعی اتحاد و ائتلاف ایجاد شود.

۲. با توجه به گستردگی حضور اخوان به‌ویژه در مصر، تونس، اردن، یمن، لیبی (و حتی سوریه) ورود به عرصه گفتگو با این جریان اقدام مناسبی برای شناخت عرصه‌های مشترک ایدئولوژیک و سیاسی است. آمریکا علیرغم تفاوت ماهوی به چنین اقدامی دست زده است و لذا تحرک جدی در این زمینه یک الزام اساسی است. تعامل مجموعه‌های مذهبی شاید آسان‌ترین اقدام در این راستا باشد.

۳. درحال حاضر میان ایران اسلامی وحدت‌طلب و مستقل با عربستان سلفی واگرا و وابسته به آمریکا یک جنگ جدی وجود دارد که در عرصه رسانه‌ای کاملاً آشکار

است و جذب اخوان سنی به جبهه وحدت‌طلبان در چارچوب یارگیری سیاسی اهمیت فوق‌العاده دارد. در این میان، تنها مسئله، شناخت نوع ارتباط اخوان با غرب در چارچوب قیام‌های عربی است و اطمینان از عدم اتحاد و ائتلاف اخوان با سیاست‌های ضد مردمی غرب است.

۴. همان‌طور که ذکر شد مجلس شورای اخوان در برگیرنده بسیاری از چهره‌های اسلامی غیرمصری مانند راشد الغنوشی از تونس، خالد مشعل از فلسطین و عبدالمجید ذنیبات از اردن است. حضور غیرمستقیم ایران می‌تواند تأثیرگذار باشد و تشویق «رمضان عبدالله» و «جنبش جهاد اسلامی» برای پیوستن به این جریان می‌تواند میزان تأثیرگذاری ایران و حضور در مهمترین حلقه تصمیم‌گیری اخوان را افزایش دهد.

۵. اولویت آزادسازی فلسطین در تفکر انقلاب اسلامی ایران و تفکر اخوان نقطه اشتراک مهمی است که می‌تواند نقطه آغازین برپایی راهبرد مشترک در ابعاد سیاسی و دینی میان آنها باشد.

۶. یکی از مهمترین ویژگی قیام مردم مصر این است که مردم این کشور احساس می‌کنند قیام بزرگی را انجام داده و فرعون زمانه را کنار زده و اکنون الگوی جدیدی از قیام و تلاش برای استقلال در سطح منطقه و جهان اسلام ارائه داده‌اند. احساس بزرگی و الگو بودن مصری‌ها درحال حاضر باید مبنای هرگونه رفتار با آنها باشد و تابع کردن آنها با هر مقوله یا الگویی، حساسیت آنها را تحریک می‌کند.

۷. همان‌گونه که مقام معظم رهبری در بیانات نماز جمعه خود به نقل از یکی از سیاستمداران غربی در مورد تحولات اخیر در خاورمیانه مطرح کرده‌اند: «دو مسئله



اساسی یعنی آگاهی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان حکومتی دینی، امروزی و پیشرفته و همچنین اطلاع از کارنامه موفقیت‌های علمی، اقتصادی، سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی ایران است که اگر در میان مسلمانان دست به دست شده و ملت‌های مختلف اسلامی از آن آگاه شوند دیگر تابوهای غرب - یعنی اصول جزمی غرب - درهم خواهد شکست و باطل خواهد شد». بنابراین در شرایط کنونی این مسئله یکی از ظرفیت‌های راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران در قبال انقلاب‌های منطقه است که می‌توان از آن در راستای مقابله با انحراف این انقلاب‌های مردمی از سوی آمریکا و سایر کشورهای غربی استفاده کرد.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۱۰۵۸

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: کارنامه سیاسی اخوان المسلمین و انقلاب‌های خاورمیانه

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: حسین رویوران

ناظر علمی: محمد جمشیدی

مقتضی: معاونت پژوهشی

سرپرستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۷/۴